

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسندگان: دمیتری درابنیتسکی (Dmitry Drobnitsky) میخائیل الکساندروف (Mikhail Alexandrov)
برگردان: ا. م. شیری
۲۲ می ۲۰۲۳

پاسخ ما به کیسنجر

اتحاد جماهیر شوروی می توانست پس از جنگ ویتنام، ایالات متحده را متلاشی کند. امروز وزیر خارجه سابق امریکا اروپا را از دست زلنسکی نجات می دهد و از جنگ جهانی سوم جلوگیری می کند. در حروف (Vera Zherdeva) ورا ژردیوا



وزیر خارجه سابق امریکا

هنری کیسنجر، پدرخوانده ضدشوروی و روس‌هراسی در ایالات متحده، در آستانه یکصدمین سالگرد تولد خود، از جنگ جهانی جدید سخن می‌گوید و توصیه می‌کند حقوق روسیه در سرزمین‌های سابق اوکراین را به رسمیت بشناسند و با چینی‌ها مامشات کنند. نشریه انگلیسی اکونومیست در مقاله مفصلی تازهای اصلی مصاحبه چند ساعته (!) وزیر امور خارجه سابق و مشاور سابق امنیت ملی رئیس جمهور امریکا را منتشر کرد.

در مقاله آمده است: «در امور بین‌الملل، هیچکسی از زندگان امروز بیشتر از هنری کیسنجر - ابتداء به عنوان دانشجوی دیپلوماسی قرن نوزدهم، بعد به عنوان مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه امریکا، و در ۴۶ سال گذشته به عنوان مشاور و فرستاده پادشاهان، رؤسای جمهور و نخست‌وزیران تجربه ندارد».

برای کنجکاوها: «بابا هنری» در دفتر خودش در منهنن میزبان خبرنگاران بود. کیسنجر با وجود سن بالا، نسبتاً قیراق است. و دیدگاه او در مورد سیاست جهانی، در نگاه اول، حتی ممکن است پیشرو به نظر برسد. او معتقد است رقیب اصلی امریکا نه روسیه، بلکه چین است. مصاحبه‌شونده خاطرنشان می‌کند: «هر دو طرف خود را متقاعد کرده‌اند که طرف مقابل یک تهدید ستراتیژیک است. ما در مسیر رویارویی قدرتهای بزرگ قرار داریم». بنابراین، واشینگتن باید

ادعاهای خود علیه مسکو را تعدیل نماید و با بیجینگ مقابله کند. اگر امریکا و چین به طور جدی با هم سر شاخ شوند، ممکن است جنگ جهانی دیگری شروع شود.

به نظر او اوکراین باید در ناتو پذیرفته می‌شد تا بتواند رهبری خود را به طور مؤثرتری کنترل کند. این امر لازم است. زیرا، هم اکنون غرب به پر کردن سلاح‌های زیادی در آنجا مشغول است که بزودی اوکراین به مسلح‌ترین کشور با کمترین تجربه رهبری ستراتیژیک در اروپا تبدیل خواهد شد. بنابراین، اولاً پدرخوانده دیپلوماسی واشینگتن توصیه می‌کند که اوکراین باید در این اتحادیه پذیرفته شود و ثانیاً، اروپا برای تضمین ثبات مرزهای شرقی خود، باید به روسیه نزدیک شود. کیسنجر معتقد است که روسیه احتمالاً برخی از مناطق جدید را حفظ خواهد کرد. این، یک چاقو بر پشت رژیم کثیف خواهد بود. اگر هر یک از دانشمندان علوم سیاسی محلی جرأت می‌کردند به این تفکر اعتراف کنند، سرویس امنیت اوکراین به هوش می‌آمد. اما این، همه ماجرا نیست. ماموت امپریالیسم امریکا اعلام کرد که حقوق بشر مطلق نیست و آرمان‌های دموکراسی نباید با زور تحمیل شود. وی با اشاره به نمونه سودان گفت، دخالت ایالات متحده در آنجا به درگیری مسلحانه در داخل ارتش منجر شد. تا کنون ۲۰۰ هزار نفر از کشور فرار کرده است و ۸۰۰ هزار نفر دیگر آماده است در اولین فرصت از کشور خارج شود. از آنجائی که کشورهای همسایه از استاندارد زندگی بالائی برخوردار نیستند، وضعیت پناهندگان را می‌توان در یک کلمه توصیف کرد، اما به نظر می‌رسد توسط خدمات فدرال نظارت بر ارتباطات، فناوری اطلاعات و رسانه‌های جمعی ممنوع شده است.

در مقایسه با آنچه معمولاً توسط بایدن، به مثابه پسرخوانده کیسنجر و نمایندگان دولت وی بیان می‌شود، اظهارات پدرخوانده کاملاً معقول به نظر می‌رسد. اما نکته جالب این است که آیا آن‌ها هنوز به نظر بابا هنری در امریکا گوش می‌دهند؟

دمیتری درابنیتسکی، کارشناس علوم سیاسی روسیه و متخصص سیاست خارجی و داخلی امریکا، معتقد است که کیسنجر حرف جدیدی نزده است.

– این در واقع، ایده به رسمیت شناختن سرزمین‌های خاص به عنوان بخشی از روسیه است. جنگ باید به نحوی متوقف شود. بنابراین، ما باید به فکر تضمین باشیم. و کیسنجر صرفاً از نظر تئوریک استدلال می‌کند: اجازه بدهید این را به طور رسمی به رسمیت نشناسیم، اما عملاً برخی از مناطق اکنون جزو روسیه هستند. یا حتی به رسمیت بشناسیم منتها، نه همه را. اما بقیه اوکراین را به ناتو خواهیم پذیرفت. درست است که برای انجام این کار باید منشور اتحادیه بازنویسی شود ... همین را می‌توان در مورد سایر ایده‌های او نیز گفت. اینجا حرف مهمی برای شنیدن وجود ندارد و از آنجائی که این فرد مدت زیادی است که بازنشسته شده، به صورت خصوصی نظر خود را اعلام می‌کند. علاوه بر این، اگرچه او را بنیانگذار واقع‌گرایی در سیاست خارجی می‌دانند، اما اغلب نتیجه‌گیری‌های او منطبق با واقعیت نیست.

کارشناس میخائیل الکساندروف، معتقد است که کیسنجر یک فرد شایسته احترام نیست.

– او جزو دسته کسانی است که به نام روس‌هراس‌ها معروفند. او برای قرار دادن اتحاد جماهیر شوروی در مقابل چین به تلاش‌های دامنه‌داری دست زد. ستراتیژی او تا حد زیادی به پیروزی ایالات در جنگ سرد منجر شد. او بود که چین را به طرف ایالات متحده کشاند و امتیازات قابل توجهی به آن داد. اتحاد جماهیر شوروی نمی‌توانست «در دو جبهه» بجنگد. زیرا، به منابع زیادی نیاز داشت و آن هم به پیروزی امریکا منجر شد. البته، ما نباید خیانت داخلی را هم از نظر دور بداریم. اما نقش اصلی را کیسنجر بازی کرد. حالا او را عاقل می‌نامند. اما این «خرد» او عمدتاً در نحوه آسیب رساندن به اتحاد جماهیر شوروی و اکنون روسیه تجلی می‌یابد.

مطبوعات آزاد: پس، آیا نظر او در سیاست خارجی امریکا نقش دارد؟ یا قطارش رفته است؟

- نظر او جریان اصلی است. گاهی سعی می‌کند کمی از «لوکوموتیو» سبقت بگیرد. او دقیقاً به همان شیوه دوران نیکسون که تشنج زدائی با اتحاد جماهیر شوروی برای ایالات متحده مهم بود، عمل می‌کند. اما در جنگ ویتنام شکست خوردند و شرایط بسیار سختی داشتند. ما می‌توانستیم آن‌ها را زیر فشار قرار دهیم، اما آن‌ها تشنج‌زدائی را بر ما تحمیل کردند و تقلب کردند. بنابراین، کیسنجر حرف تازه‌ای نمی‌زند، اما وضعیت فعلی را دنبال می‌کند. حالا امریکائی‌ها می‌خواهند چینی‌ها را بفریبند. آن‌ها در تلاشند روی تضادها سرپوش بگذارند. امیدوارند ابتداء کار روسیه را یکسره کنند و سپس به مقابله با چین پردازند. به همین دلیل است که اظهاراتی برای تدارک یک نزدیکی خیالی بین امریکا و چین مطرح می‌شود. به هر حال، بایستن به حزبی تعلق دارد که با چین معاشقه می‌کند. اما طرف دیگری وجود دارد که معتقد است ابتداء باید با چینی‌ها و سپس با روسیه برخورد کرد. بنابراین، مهم نیست چه کسی اول است.

مقاله مجله اکونومیست بریتانیا توسط کارشناسان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اگر اظهارات برنده جایزه صلح نوبل (۱۹۷۳) را در این راستا بازخوانی کنید، وحشتناک می‌شود: **روباه پیر به طرز ماهرانه‌ای بین کشورها تخم بی‌اعتمادی و بدگمانی می‌پاشد.** او می‌گوید که «روابط دوستانه روسیه و چین بی‌اساس است. من هرگز رهبر روسیه را ندیده‌ام که چیز خوبی در مورد چین گفته باشد». این دیپلمات کارکن شده می‌گوید: «و هرگز یک رهبر چینی ندیده‌ام که چیز خوبی در مورد روسیه گفته باشد». او همچنین اعتبار هند را به عنوان یک شریک زیر سؤال می‌برد. برای این که، تنفر مذهبی در آنجا در حال رشد است و آزادی بیان وجود ندارد. در همین حال، این کشور را به سمت چین سوق می‌دهد. زیرا، هر کدام از آن‌ها منافع خاص خود را در آسیا دارند. و توصیه می‌کند که در سیاست مربوط به این منطقه تجدید نظر شود. برای این که به گفته کیسنجر، جاپان می‌تواند ظرف پنج سال آینده تولید سلاح‌های هسته‌ای را آغاز کند. و این توصیه که اوکراین باید در ناتو پذیرفته شود (با درک کامل از واکنش روسیه) به هیچ‌وجه در برابر انتقاد تاب نمی‌آورد.

همه ایده‌های بیان‌شده برای آینده طراحی شده‌اند. دیپلوماسی امریکائی به بازی طولانی عادت کرده است. کیسنجر، در طول عمرش در قدرت، به ایجاد شبکه‌هایی عادت داشت که دهه‌ها بعد دشمنان ایالات متحده در آن گرفتار شدند.

در پایان مقاله، اکونومیست این سخنان مصاحبه‌شونده را یادآور می‌شود: **«به هر حال، در آن زمان من دیگر نخواهم بود.»** «ما اضافه می‌کنیم»: **خدا را شکر که زنده نخواهد بود!**

مأخوذ از: [مطبوعات آزاد](#)

۳۱ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۲